

بررسی تطبیقی عناصر داستان پردازی در بهارستان جامی و مقامات یازجی

رضوان سهیلی

کارشناسی ارشد ادبیات عربی دانشگاه تهران جنوب

چکیده

شیخ ناصیف الیازجی، ادیب برجسته لبنان در قرن نوزدهم که به سرودن اشعار حکمت‌آمیز علاقه فراوان داشت و در اثر معروف خویش مقامات، داستان‌های تعلیمی فراوانی ارائه نموده است. نورالدین عبدالرحمن جامی، ادیب و صوفی ایرانی سده ۹ قمری که با الهام گرفتن از گلستان سعدی، یکی از مهم‌ترین کتاب‌های خود یعنی بهارستان را به رشته تحریر درآورد. بین مقامات و بهارستان، از حیث عناصر داستان پردازی، وجوه تشابه و تفاوت بسیاری است، لذا این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در پی تبیین و بررسی عناصر داستان پردازی در مقامات یازجی و بهارستان جامی می‌باشد از مهمترین نتایج آن می‌توان به این اشاره کرد که داستان‌های مقامات یازجی و بهارستان جامی دربردارنده چند عنصر اصلی است. از جمله، شخصیت، صحنه-پردازی (اعم از زمان و مکان)، زاویه دید، مضمون درونمایه. مقامات یازجی و بهارستان جامی از حیث شخصیت پردازی، درونمایه و سبک، دارای ویژگی‌های اشتراکی و از حیث زاویه دید، تفاوت‌های آشکاری دارند. شخصیت‌های داستانی این دو اثر ساخته و پرداخته ذهن نویسنده است. از حیث مضمون و محتوا نیز، این دو اثر، بیشتر تعلیمی و حکمت‌آمیز می‌باشد و به این ترتیب، عناصر داستانی در هر دو اثر، در خدمت مضامین بکارگرفته شده است. یکی از تفاوت‌های آشکار عناصر داستانی مقامات و بهارستان، شیوه روایت پردازی و زاویه دید این دو اثر است. روایت مقامات یازجی با زاویه اول شخص است، اما در بهارستان جامی، راوی سوم شخص است.

کلید واژه‌ها: تطبیقی، عناصر داستان پردازی، مقامات یازجی، بهارستان جامی.

مقدمه

ادبیات با همه شاخه‌ها و زیرگروه‌هایش بخش جدانشدنی و لاینفک فرهنگ و تاریخ و تمدن هر قومی است و علاقه به آن در واقع توجه همه ذخایر و میراث ذوقی و فکری آن ملت است. داستان‌ها به عنوان بخشی برجسته از ادبیات، تاریخ بسیار کهن دارند. مجموعه‌ای از قصه‌هایی که تاریخ آن به حدود چهار هزار سال پیش از میاد مسیح می‌رسد، از فرهنگ و تمدن مصری باقی مانده است. شاید بتوان گفت که مصری‌ها اولین ملتی هستند که قصه را به ادبیات جهان هدیه کردند. موضوع این قصه‌ها متنوع است، از قصه‌هایی درباره‌ی سحر و جادو و ارواح گرفته تا افسانه‌های تمثیلی و قصه‌های پرماجرا و عاشقانه و حکمت آمیز و تعلیمی. از جمله آثار مهم و شناخته شده تعلیمی و حکمت آمیز در ادبیات فارسی و عربی، مقامات شیخ ناصیف الیازجی و بهارستان عبدالرحمن جامی می‌باشد.

برای معرفی شناخت دقیق یک جامعه، شناخت ابعاد گوناگون آن جامعه از جمله اصول اخلاقی، طبقات جامعه اعم از فرهنگی، مادی و...، تاریخ، حوادث گوناگون و همچنین احوال عاطفی موجود در آن جامعه، ضرورتی تردید ناپذیر است. شناخت این ابعاد در سایه‌ی شناخت آثار ادبی به جا مانده از فرهنگ و ادب یک کشور میسر می‌شود چرا که شناسایی و شناساندن این آثار می‌تواند چهره‌ی ادبی یک جامعه را بهتر به دیگران معرفی کند.

مبانی نظری

ادبیات داستانی

هر روایتی که خصلت ساختگی و ابداعی آن به جنبه‌های تاریخی و واقعی‌اش غلبه کند، نیز به آثار روایتی منشور، ادبیات داستانی گویند. درواقع ادبیات داستانی بخشی از ادبیات است که همه انواع آثار روایتی منشور را در برمی‌گیرد، یعنی هر اثر روایتی منشور خلق‌شده‌ای که با دنیای واقعی ارتباط معناداری داشته باشد، در حوزه ادبیات داستانی قرار می‌گیرد. ادبیات داستانی شامل قصه، رمانس، رمان، داستان کوتاه و آثار وابسته به آن‌هاست. (میرصادقی، ۱۳۸۳: ۱۴۸-۱۵۱)

روایت شعری

شاعران از طریق شعرهای خودشان تجربه‌ها، اندیشه‌ها و آرمان‌هایشان را بیان می‌کنند. در این فرایند، «هر نوع تجربه را که صرفاً با فعل گذشته نقل شده باشد، روایت دانسته‌اند» (اخوت، ۱۳۷۱: ۹). به عبارتی دیگر، «کلیه متون ادبی که دارای دو خصوصیت وجود قصه و حضور قصه گو است را می‌توان یک متن روایی دانست» (علوی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۹)، و از اینجا پیوند عمیق و ارتباط تنگاتنگ روایت با نقل آشکار می‌شود. بنابراین، روایت در حقیقت، «بازگفته یا متنی است که به نقل واقعه، حدیث، خبر و ماجرای می‌پردازد» (کمری، ۱۳۸۹: ۳۰).

عناصر داستان

بدون اغراق باید گفت که نقد داستان‌ها و عناصر آن، به زمان پیدایش خود داستان بازمی‌گردد. از این‌رو، باید طلیعه‌های این گونه نوظهور را در سده نوزدهم میلادی دنباله‌گیری کرد (أبوهیف، ۲۰۰۰: ۲۳).

شخصیت و شخصیت‌پردازی

مفهوم شخصیت در ادبیات داستانی همچون دیگر اصطلاحات و نام‌های موجود در ادبیات، در گذر زمان دستخوش دگرگونی شده تا امروزه به سطحی پیچیده و پیشرفته‌ای، ارتقا یافته است. شخصیت در اثر روایتی (داستان) یا نمایشی، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی وی در عمل او و آنچه می‌گوید و می‌کند وجود داشته باشد. (دادخواه و جمشیدی: ۱۳۸۶: ۱۹)

حقیقت ماندنی داستان یا معیار سنجش داستان

در یک داستان موفق، سلسله رخدادها، شخصیت‌ها، و حتی پس‌زمینه‌های داستان (موقعیت زمانی، مکانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، سیاسی و...) باید باورکردنی، قابل احساس، پذیرفتنی و حقیقت‌مانند باشد. در کتاب‌های نقد داستان، در تعریف حقیقت‌مانندی چنین آمده است: «کیفیتی که در عمل داستانی و شخصیت‌های اثری وجود دارد و احتمال ساختی قابل قبول از واقعیت را فراهم می‌آورد» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۱۹۳).

معرفی و بررسی آثار شیخ ناصیف یازجی

بررسی زندگی ناصیف

شیخ ناصیف بن عبدالله، معروف به یازجی، به گفته تمام مورخان و دانشمندان معاصر، در روستای کفرشیمای بیروت، در ۲۵ مارس ۱۸۰۰ میلادی (۱۲۱۴ هجری قمری)، چنانکه عیسی میخائیل سابا و دکتر شوقی ضیف گفته اند. پدرش عبدالله یازجی از پزشکان کاتولیک بود و روش ابوعلی سینا را در میان انواع روش‌های طب قدیم برگزید. (عمر، ۱۹۸۹: ۲۱۳)

آثار یازجی

ناصریف الیازجی آثار گرانبها و بی‌شماری از خود به یادگار گذاشته است که بحث درباره هریک از آنها به کتابی مستقل نیازمند است و چون مجال بسط و تحلیل هر یک نیست:

۱- اشعار یازجی که به نامهای ذیل به چاپ رسیده است:

«الف» - «نبذة من دیوان الشیخ ناصیف الیازجی»: دوبار به چاپ رسیده، نخست در بیروت سال ۱۸۵۳ م در ۱۲۸ صفحه. چاپ دوم در مطبعه شرقیه تحت عنوان «النبذة الاولى» که آن را فرزندش ابراهیم الیازجی تصحیح نموده و نوه‌اش امین الحداد، شرح احوالش را در اول دیوان اضافه کرده است.

ب- «نفحة الريحان»: نخست در بیروت در ۱۳۸ صفحه به سال ۱۸۶۴ م به چاپ رسیده سپس در سال ۱۸۹۸ م به تصحیح فرزندش الشیخ ابراهیم الیازجی در چاپخانه ادبیه چاپ شده است.

ج- «ثالث القمرین»: نخست در بیروت در سال ۱۸۸۳ م سپس به تصحیح فرزندش ابراهیم الیازجی در سال ۱۹۰۳ م در مطبعه ادبیه به چاپ رسیده است.

د- «نبذة تواریک مقنطفة من دیوان الشیخ ناصیف الیازجی»: در بیروت در سال ۱۸۵۹ در ۱۶ صفحه به چاپ رسیده است. ه- «فاکهة الندماء فی مراسلة الادباء»: مجموعه قصائدی است که یازجی آنها را در جواب شعرا و ادبای زمان خویش سروده است و آن نخست در بیروت سال ۱۸۷۰ م. سپس در ۱۹۳۰ م. در چاپخانه دار صادر به چاپ رسیده است. «(عطاءالله، ۱۹۸۵: ۲۱۸)

مقام ادبی و علمی یازجی

از آثار شیخ ناصیف یازجی می‌توان دریافت که وی در تمام فنون ادبی تسلط کامل داشت و در همه آنها بی‌نظیر بود و کتاب تألیف وی گواه بر این است که آثار مقدماتی اعم از طولانی و مختصر را تهیه کرده است. ، با احتیاط. او آنها را به طور ویژه خوانده و در آثار مختلف خود به شیوه‌ای جدید به شرح آنها پرداخته است. (الدسوقی، ۱۹۵۰: ۸۳)

مختصری از زندگی جامی

«نورالدین عبدالرحمن جامی در سال هشتصد و هفده در محل خرچرد ولایت جام خر اسان تولد یافت چنانکه خود گفت:

بسال هشتصد وهفده ز هجری نبوی	که روزمکه به یثرب سرادقات جلال
ز اوج قله پرواز گاه عز و قدم	بدین حضيض هواسست کرده‌ام پروبال

نام پدرش نظام الدین دشتی و جدش شمس الدین دشتی منسوب بمحله دشت اصفهان بوده بعد بولایت جام مهاجرت کرده اند.» (یاحقی، ۱۳۶۳: ۸۴)

بررسی آثار جامی

یکی از آثار شعری او دیوان اشعار اوست که شامل قصیده، غزل، مرثیه و ترکیب بیت، مثنوی و رباعیات است. جامی خود دیوان را به سه قسمت تقسیم کرد و آنها را فاتحه الشباب و واسط العقد و خاتمه الحیات نامید و دور نیست که در این تقسیم از امیر خسرو دهلوی پیروی کرد.

جایگاه ادبی جامی

«جامی نه تنها اشعار سروده بلکه در فنون علوم دین وادب و تاریخ نیز مهارتی بسزا داشته و از این حیث در میان دیگر شعرا دارای مقام مخصوصی بوده است امیر علیشیر نوائی که خود از فضایی عصر بود در وصف کمالات جامی گفته:

عاجز از تعداد اوصاف کمال اوست عقل انجم گردون شمردن کی طریق اعورست

در اشعارش تأثیر شعرای سلف پیداست مخصوصاً شعرای متصوفه را اقتفاء نموده و سبک آنها را بکار برده. با این همه مقتدای خاص جامی در نظم هفت اورنگ، نظامی است و در غزلیات سعدی گرچه حافظ و خاقانی و امیر خسرو و نیز طرف توجه او بوده است.» (بهار، ۱۳۷۶: ۱۲۶)

جامی هم مانند امیر خسرو دهلوی، با سخای قریحه موصوف و با کثرت تصانیف معروف است. بقول بعضیها تألیفات او از نظم و نثر موافق شماره حروف تخلص او «جامی» پنجاه و چهار دفتر و رساله است. (همان)

سابقه و پیشینه تحقیقات

مهم ترین پژوهش های پیرامون عنوان تحقیق عبارت است از:

۱- جامی، اسماعیل (۱۳۷۷) مقاله نکاتی درباره سبک کتاب بهارستان جامی: این مقاله به بررسی برخی از ویژگیهای نگارشی و ادبی بهارستان اشاره دارد که عبارت است از: استشهاد به آیات قرآن کریم، استفاده از احادیث و روایات مذهبی، استفاده از امثال و حکم، صنایع بدیعی از قبیل: جناس و تضاد و انواع تشبیه، کاربرد قواعد نادر دستوری، استناد به اشعار عربی و فارسی و اشتغال کتاب بر لغات و ترکیبات زیبای فارسی.

۲- سبزیان پور، وحید (۱۳۹۱) سرچشمه های جامی در داستان های بهارستان: پرسمان بنیادی این نوشتار آن است که آیا جامی در داستان سرایی خویش، به منابع پیشین نظر داشته است یا خیر. بر این مبنا یک روضه از روضه های هشت گانه ی بهارستان انتخاب و مآخذ حکایت های آن در متون عربی پیش از جامی کاویده شد. در نتیجه ریشه ی ۲۱ داستان از ۴۳ حکایت این روضه، یعنی تقریباً نیمی از آن، در منابع پیشین شناسایی شد.

۳- تهوری، نرگس و بهنام فر، محمد (۱۳۹۲) تحلیل درون مایه های تربیتی در بهارستان جامی: موضوع این مقاله به «تحلیل درون مایه های تربیتی در بهارستان» اختصاص دارد که به روش کتابخانه ای و به شیوه توصیفی و تحلیل متن انجام شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مباحث تربیتی در بهارستان ظاهراً براساس دیدگاه امام محمد غزالی مطرح شده و در سه محور تربیت در خانواده، مدرسه و اجتماع با اندیشه های وی مطابقت دارد و درون مایه های تربیتی آن بیشتر بر پایه عدالت، توجه به زیردستان، علم آموزی، رازداری و حسن معاشرت استوار است.

۴- تهوری، نرگس و بهنام فر، محمد (۱۳۹۳) تحلیل درون مایه های اخلاقی در بهارستان جامی: در این مقاله به «تحلیل درون مایه های اخلاقی در بهارستان» پرداخته شده است. نتایج به دست آمده در این تحقیق نشان می دهد که رویکرد جامی در این اثر مبارزه با نفس و رذایلی چون دنیاپرستی و آزمندی است.

۵- بیگ زاده، خلیل و آرتا، محمد (۱۳۸۵) نقد تطبیقی حکایت های بهارستان جامی با داستان های مینیمالیستی: این پژوهش وجوه تشابه و تفاوت حکایت های کوتاه «بهارستان» جامی و مشخصه های مینیمالیسم را بررسی کرده است و نشان

داده است که به رغم نظر برخی از پژوهشگران، حکایت های کوتاه «بهارستان» جامی نه تنها با داستان های مینیمالیستی کاملاً قابل انطباق نیستند، بلکه در کنار شباهت های ظاهری و صوری، تفاوت های بارزی نیز میان آنها وجود دارد.

۶- قائمی، مرتضی و محقق، فاطمه (۱۳۸۸) بینامتنی قرآنی در مقامات ناصیف یازجی: این تحقیق با استقراء آیات کریمه قرآنی در مجمع البحرین انجام شده است. هدف از پژوهش، شناخت و معرفی چگونگی و اندازه تاثیر قرآن کریم بر لفظ و محتوای مقامات ناصیف است. ناصیف در مقامات خود رویکرد قابل توجهی به قرآن دارد.

۷- عچرش، خیریه و بازیار، کوکب (۱۳۹۰) تاثیر پذیری ناصیف یازجی ادیب معاصر لبنانی از قرآن و حکمت های روایی: این مقاله به بررسی تاثیر قرآن و حکمت های قرآنی و روایی بر روی اشعار ناصیف اختصاص دارد، که با مطالعه ی آنها مشخص می شود، که قرآن مجید، معانی و مفاهیم آن، نهج البلاغه و اندرزهای شیوای امام علی(ع) و دیگر پیشوایان دین، از جهات مختلف در زندگی فردی و اجتماعی ناصیف یازجی تاثیر آشکار و پنهان نهاده است، و هرکس در این زمینه تاملی بسزا کرده باشد، به درستی این عقیده اعتراف خواهد کرد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی است. از آنجا که تحقیق، تطبیقی است، لذا در هر یک از دو اثر، عناصر داستان، اعم از شخصیت پردازی، لحن و گفتار، زاویه دید، پیرنگ و مضمون و محتوا را جستجو کرده و پس از استخراج، هریک از عناصر را به صورت جداگانه مورد تطبیق و بررسی قرار می دهیم و به این ترتیب، معیار پژوهش، عناصر داستانی است که از دو اثر استخراج می شود.

در مرحله تدوین و ارائه مطالب با تکیه بر روش تحقیق کتابخانه ای صورت پذیرفته است. لذا پس از شناسایی منابع مرتبط با موضوع، اطلاعات لازمه را اخذ کرده و از طریق ثبت در فیش جمع آوری نموده و سپس در فایل اصلی به رشته تحریر درمی آید.

قلمرو این پژوهش عبارت است از:

موضوعی: دو کتاب مقامات یازجی و بهارستان جامی

زمانی: قرن نهم و سیزدهم هجری

مکانی: ایران و لبنان

اهداف تحقیق

هدف اصلی:

بررسی تطبیقی عناصر داستانی در مقامات یازجی و بهارستان جامی

اهداف فرعی:

۱. بررسی و شرح مضامین داستانی مقامات یازجی و بهارستان جامی

۲. بررسی شخصیت پردازی دو اثر فوق

۳. بررسی و تحلیل روایت شناسی مقامات و بهارستان

پرسش های های تحقیق

۱. عناصر داستانی در این دو اثر فاخر چگونه بکار رفته است؟

۲. بهارستان جامی و مقامات یازجی در عناصر داستانی دارای چه ویژگی های مشترکی هستند و چه تفاوت هایی در آنها مشاهده می شود؟

۳. بسامد کدامیک از عناصر داستانی در بهارستان بیشتر است و کدامیک از عناصر در مقامات یازجی پررنگ تر است؟

فرضیه‌های تحقیق

۱. به نظر می‌رسد که داستان‌های این دو اثر دربردارنده چند عنصر اصلی است. از جمله: پیرنگ، شخصیت، معنا، روایت و زاویه دید. شخصیت‌های داستانی بهارستان و مقامات ساخته و پرداخته دست نویسنده است که گاه ما با تشابه آنها در عالم واقع روبرو بوده‌ایم و گاه هیچ شناختی نداریم.
۲. به نظر می‌رسد که مقامات یازجی و بهارستان جامی از حیث شخصیت پردازی، پیرنگ، دارای ویژگی‌های اشتراکی و از حیث روایت شناسی، تفاوت‌های آشکاری دارند.
۳. مضمون و محتوای این دو اثر، بیشتر تعلیمی و حکمت آمیز است. لذا عناصر داستانی در هر دو اثر، در خدمت مضامین بکارگرفته شده است. بهارستان جامی و مقامات یازجی از حیث روایت شناسی و شخصیت پردازی، با آنچه در داستان‌های معاصر شاهد هستیم تفاوت‌های برجسته‌ای دارند.

سبک

یازجی از نظر سبک و استفاده از شگردهای بدیع و مبالغه در استفاده از خطاهای منظوم و منثور و توجیهات صرفی و نحوی از بدیع الزمان همدانی و حریری تقلید کرده است. وی استاد صرف و نحو است و آثار متعددی در این زمینه تألیف کرده است. اما با خواندن مقامات وی معلوم می‌شود که او به تمام درهائی که حریری وارد شده، ورود نموده است و با زیرکی و هوشمندی کامل مقصد خود را به پایان رسانده است. مثلاً حریری در مقامه‌های خود از قرآن اقتباس کرده است. لذا مقامات شیخ ناصیف یازجی نیز خالی از ترکیبات و معانی قرآنی نیست و مقامه معریه ایشان بهترین دلیل بر این مدعاست. (خلیل جحا، ۱۹۹۹: ۱۴۳)

«یازجی در استفاده از تکنیک‌های بدیع و بازی با کلمات در مواردی به حد معجزه می‌رسد و نمونه بارز آن مقامه رملیه است. در این مقامه، ضمن استفاده از سجع‌های متوالی بیست و شش بیتی که تمام کلمات آن بدون نقطه است، با عنوان «ابیات عواطل»، خطی به ترتیب ترسیم کرده است. مانند این بیت:

لَا أُمُّ لَهِ وَ لَا وَاءُ لُدَّ لَهُ وَ لَا وَلَدٌ

(الورقی، ۱۹۸۴: ۱۲۴)

«یازجی در همین مقامه نه بیت سرود که همگی نقطه گذاری (معجمه: یا نقطه دار) است و سپس هفت بیت به نام ابیات ملمعه سروده، یعنی اشعاری که کلمات مصرع اول هر بیت بدون نقطه است. مصرع دوم تماماً نقطه دار است. مثل:

لَا لِعُهودُ الْوَدِّ رَاعٍ وَ لَا فِی شَجَنَ ذِی فِتْنَةٍ یَشْفِقُ

(همان، ص ۱۲۵)

زاویه دید

شیوه روایتگری مجموعه‌ای از روش‌ها است که نویسندگان و پدیدآورندگان ادبی، نمایشی، سینمایی یا موسیقایی برای ارائه داستان به مخاطبان خود از آن‌ها بهره می‌گیرند. شیوه روایتگری یکی از تکنیک‌های جامع مؤلفان برای ارائه اثرشان است. زاویه دید راوی، شخصیت روایت‌کننده داستان را مشخص می‌کند. به بیان روشن‌تر، زاویه روایت یعنی اینکه راوی کجا ایستاده و چقدر بر آدم‌ها، ماجرا و داستان تسلط دارد. (شمیسا، ۱۳۷۷: ۲۲۵)

در مقامات یازجی، هر مقامه، با این عبارت شروع می‌شود که «فلان شخص گفت یا چنین حکایت کرد...» در ادامه روایت داستان بر عهده آن شخص است و کل متن داستان، از طریق وی روایت می‌شود و به این ترتیب، باید اذعان کرد که روایت پردازی و زاویه دید در مقامات یازجی، راوی اول شخص است::

«حکى سهیل بن عباد قال: بکرت يوماً بکور الرّاجِر. فی مَعْمَعانَ نَاجِرَ خَوْفاً مِنْ اصْطِکاکِ الْهَوَاجِر. فامعنْتَ فی السّیاحه. وَ جَعَلْتَ اِقْطَعُ سَاحَهُ بَعْدَ سَاحَةٍ حَتّٰی اِذَا تَخَلَّلْتُ بَعْضُ الْغِیْطَانِ وَ قَدْ سَالَ عَلَیْهَا مَخَاطُ الشَّیْطَانِ. رَایْتُ کَتِیْبَه مِنْ الرُّجَّالِ عَلٰی کَثِیْب مِنْ الرِّمَالِ فَبَدَّلْتُ فی شاکله الْجَوَادَ الْمُهَمَّارَ وَرَدَدْتُ صُدُورَ الْاَرْضِ عَلٰی الْاِعْجَاز حَتّٰی اِدرکت الْقَوْمَ فی مُنْتَصَفِ الْیَوْمِ وَ اِذَا جَنَازَه قَدْ اودعوها التُّرابَ. وَ شیخ علی دکه قَدْ اِفْتَتَحَ الْخِطَابُ. فَقَالَ

یا کرام الْمُعَاشِرَ وَ الْعَاشِرُ. واولی الابصار وَ الْبَصَائِرُ. ارایتم مَا اِخْرَجَ هَذَا الْبیتَ وَ اُسْمِعُ هَذَا الْمیتَ.» (یازجی، ۱۹۶۶: ۶۲)

«سهیل بن عباد چنین حکایت می کند: در یکی از روزها صبح زود از خواب برخاستم اما به دلم افتاده بود که حادثه بدی رخ می دهد یکی از روزهای بسیار گرم تابستان بود و من از شدت گرمای نیم روز آن هراس داشتم. از این نمونه هایی که ذکر کردیم می توان به توانایی شیخ یازجی در نکات زبانی و بازی با کلمات و استفاده از کلمات به بهترین شکل پی برد. واقعاً کمتر کسی می تواند چنین معانی و کلمات زیبایی را جمع آوری کند. همچنین یکی از مواردی که شیخ ناصیف در آن صنایع بدیع زیادی استفاده نمود، مقامه «بصریه» می باشد. با این مطلع:

قَمَرٌ يَفِرُّ عَمْدًا مَشْرِقُ رَشٌّ مَاءٌ دَمَعٌ طَرْفٍ يَرْمُقُ*

سپس می افزاید:

قَرَطُهُ يَفِدِي جَلَّاهُ اِيْمَنُ مِنْ مِيَاهِ الْجَيْدِ فِيهِ طُرُقُ
قَبَسٌ يَدْعُو سِنَّاهُ اِنَّ جَفَا فَجَنَاهُ اِنْسَ وَعَدُوْ يَسْبِقُ
قَدْ خَلَا كَاذِبٌ وَعَدُوْ تَابِعُ لَعِبًا تَدْعُو بِذَاكَ اَلْحَدَقُ
قَرَحَتْ ذَاعِبَرَاتٍ اَرْبَعُ عِبَرَاتٍ اَرْبَعُ اِذْ تُحْرِقُ**

(یازجی، ۱۹۶۶: ۱۲۱)

در همین مقامه دو بیت آورده شده که در مضمون مدح است و بلافاصله پس از آن دو بیت آورده شده در مضمون هجو:

يَا هِيَ الْمَرَّاحِمِ لَابِسُ كَرَمًا قَدِيرٌ مُسْنَدُ
بَابُ لِكُلِّ مُؤَمِّلٍ غَنَمٌ لَعْمَرُكَ مُرَقَّدُ***

سپس عمداً عکس معانی بالا در مضمون هجو می آورد:

دَنَسٍ مُرِيدٌ قَامِرٌ كَسَبَ الْمَخَارِمِ لَإِيْهَابِ
دَفَرٌ مَكْرٌ مَعْلَمٌ نَغِلٌ مُؤَمِّلٌ كُلُّ بَابِ*

سپس ملاحظه می شود که اگر شیخ یازجی، با زبان و اسرار آن آشنایی کامل نداشت، نمی توانست چنین اشعاری را بیافریند. هر شاعری نمی تواند چنین کاری بکند. اگرچه برخی این کار یازجی را اتلاف وقت می دانند و آن را کاری بیهوده می خوانند

* او چنان ماه تابانی است که از روی عمد (درتابندگی) افراط می کند و چشمی که به آن بنگرد (از عشق آن) اشک می تراوند. (اشک جاری می شود).

** گوشواره او در گوش راستش در برابر جلا و زیبایی بدن وی فدا می شود. این گوشواره همچون آب راه هایی در گردن وی است. (مقصود از میاه در اینجا همان زیور آلات شمشیر است. یعنی گردن محبوبه را در سفیدی و درخشندگی به شمشیر تشبیه کرده است). چنان شعله آتش است که نورش همه را فرا می خواند پس اگر جفا کند و شعله برافروزد ثمره آن تحقق وعده ای است که داده شده بود (وعده به ضیافت) [در زمان قدیم آتش هایی بر بلندی ها افروخته می شد تا رهگذران آن را دریابند و راه را گم نکنند و به آن محل روند. در آن محل از آنها پذیرایی می شد].

وعده دروغین شیرین است. وعده ای که به دنبال آن چشمانش به لهو و لعب فرا می خواند. چهار قطره اشک (هر چشم دو قطره می ریزد) صورت عاشق را مجروح کرد چرا (که از شدت حزن) داغ و سوزان است

*** - نیک مهربانی است که لباسی از کرم و بخشش بر تن دارد. (کنایه از کریم بودن وی) و توانایی است که می توان بر آن تکیه کرد و اعتماد نمود.

(او) دری است برای هر آرزومند و به جان تو سوگند که هر نیازمندی بدون مشقت در درگاه او به نیازش می رسد و او یاور (همگان) است.

* - انسان بی آبرو و ناپاک و ستمگر و سرکش و قماربازی است و از ارتکاب به محارم ابایی ندارد. بدبو و بدصداست (صدایی گرفته به شکل خرخر دارد). نشان خورده جنگ است (کنایه از عدم شجاعت) و فاسد النسب است و محتاج هر دری می شود.

که اصلاً به درد نمی خورد، اما به نظر می رسد این قشای و حکم، حکمی است مبتنی بر عجله. اگر نگاهی منصفانه به عصر و دوران زندگی ناصیف یازجی بیندازیم، درخواهیم یافت که آن روزها در واقع از دامان عصر انحطاط برخاسته اند و علوم، مدارس، دانشگاه ها و تخصص ها هنوز جهانی نشده اند. ارتباط با غرب و ادبیات و علوم آن، هنوز به جایی نرسیده بود که بتواند بر ادبیات عرب تأثیر بگذارد. نویسندگان و شاعران هنوز با ادبیات جهان آشنا نبودند تا از آن بهره ببرند.

بررسی و تبیین درونمایه و مضمون مقامات یازجی

شیخ ناصیف یازجی در تبیین درونمایه و مضمون خویش، شیوه بزرگان این هنر از جمله «حریری» را می پیماید و همچون حریری، به موضوعات لغوی چونان آنها در مقاماتش توجه خاصی داشته باشد. به همین لحاظ بسیاری از مقامات وی را می یابیم که در مسائل نحوی (مثل المقامه الکوفیه) وقواعد صرفی و عروضی (المقامه الازهریه) و نیز در معماگویی (المقامه الحلیه) و لغت‌های کم یاب و غریب (المقامه النجدیه) است. (اسعد داغر، ۱۹۵۶: ۱۲۸)

بررسی درونمایه و مضمون بهارستان جامی

کتاب بهارستان، باغ پر نقش و نگاری است که به روی خواننده گشوده می شود. و جسم خاکی و روح متعالی او را به عروج می رساند. و جامعه مدنی و مدینه فاضله ی را با هنرمندی ماهرانه ای به تصویر می کشد. دو نیروی خوبی و بدی در تقابل یکدیگرند و ستیزه و کشاکشی دایم دارند. و سرانجام خوبی و نیکی بر پلیدی و سیاهی پیروز می شود. و جامعه تعلیم و تربیت را پیش چشم خواننده می گشاید و بیان می شود: که حسد، بخل، غیبت و تهمت... عاقبتی جزء نیستی و فنا ندارد. و فضایل و سجایای نیک، مانند: بخشش و بخشندگی، قناعت و عدالت، شاهد شیرینی دارد.

بررسی و مقایسه درونمایه و مضمون مقامات و بهارستان

یکی از مهمترین اشتراکات مقامات یازجی و بهارستان جامی جذابیت روند داستانی و موضوعاتی است که مخاطب را جذب خویش می کند. بهره بردن از پیام های طنزآمیز اخلاقی و تربیتی که بویژه در مقامات، با چاشنی طنز نیز همراه است، موجب ایجاد علاقه در مخاطب و برانگیختن حس تعقیب و مطالعه این آثار را بوجود می آورد و کام انسانها، با شنیدن این حکایات شیرین می گردد.

در یکی از مقامات یازجی نیز چنین آمده است:

«ثُمَّ قَالَ: يَا بَنِيَّ كُنْتُ قَدْ غَزَمْتُ أَنْ أَنْتَبِذَ مَكَاناً قَصِيّاً وَ لَا أَكَلَمَ الْيَوْمَ إِنْسِيّاً» (یازجی، ۱۹۶۶: ۶۷)

«بعد گفت: ای فرزندانم تصمیم داشتم که در مکانی دور تنها باشم و امروز با هیچ کس سخن نگویم.»

عبارات «أَنْتَبِذَ مَكَاناً قَصِيّاً» و «لَا أَكَلَمَ الْيَوْمَ إِنْسِيّاً» هر دو با کمی تغییر از آیه «فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهٖ مَكَاناً قَصِيّاً» (مریم، ۲۲) و «... فَلَنْ أَكَلَمَ الْيَوْمَ إِنْسِيّاً» (مریم، ۲۶) گرفته شده اند. هنگامی که حضرت عیسی (ع) به دنیا آمد، حضرت مریم (س) از بیم سرزنش مردم در مکانی دور خلوت گزید: سپس خداوند به او امر کرد که یک روز تمام با هیچ کس سخن نگوید. در مقامه این سخن از جانب یکی از شخصیت های داستان بیان شده است. نویسنده توانسته با قرآن تعامل خوبی برقرار کند و از کلام دلنشین قرآن در بیان داستان خود استفاده کند.

از این قبیل درونمایه هایی که مخاطب را به سوی حق سوق می دهد و با هدف ارشاد و هدایت، بکارگرفته می شود، در کتاب بهارستان نیز وجود دارد:

«از مقتبسات مشکات نبوت است این حدیث که «من عشق وعف و کتم فمات مات شهیدا» یعنی: هر که در جاذبه عشق آویزد و با لطایف عشق آمیزد و در آن طریقه عفت و کتمان پیش گیرد چون بمیرد شهید میرد. و شرط عفت و کتمان از برای آن است که چون به میل طبع و هوای نفس آلوده باشد و در وصول به آن وسایط توسل جویند و اظهار کنند از قبیل شهوات نفس حیوانی است نه از فضایل روح انسانی.» (جامی، ۱۳۸۵: ۹۳)

نتایج پژوهش

۱. مقامات شیخ ناصیف یازجی و بهارستان جامی، در زمره متون ادبی برجسته ادبیات عربی و ایرانی می‌باشند. این دو اثر، گرچه از حیث اسلوب و محتوا به تقلید از آثار فاخر قرون گذشته (مقامات یازجی به تقلید از مقامات حریری و بدیع الزمان و بهارستان جامی به تقلید از گلستان سعدی) نوشته شده‌اند، اما هم از حیث ادبی و هم از جلب توجه مخاطب، دارای جذابیت و ارزش شایسته‌ای هستند. با این وجود، در زمینه عناصر داستانی و بویژه، روایت شناسی و شخصیت پردازی، با آنچه در داستان‌های معاصر شاهد هستیم تفاوت‌های برجسته‌ای دارند.
۲. از حیث درونمایه و مضمون، دو اثر فوق، دارای وجوه اشتراک و تفاوت‌هایی هستند. مهمترین وجه اشتراک مقامات یازجی و بهارستان جامی در این است که هر دو اثر از نمایش واقعیات اجتماعی معاصرشان به کلی خالی است و صرفاً هدف تعلیمی دارند. از جمله وجوه تفاوت آن می‌توان به این اشاره کرد که مقامات یازجی در بر دارنده‌ی حوادث تاریخی و تفصیل دقیقی راجع به آداب و رسوم عرب‌ها در زندگی و منش و جنگ‌ها و افتخارات آنهاست و این، از جمله مواردی است که در بهارستان، کمتر مورد توجه بوده است.
۳. از حیث اسلوب، هر دو اثر فوق، سرشار از امثال و حکم، تشبیهات، استعارات، کنایات و هرآنچه بر زیبایی ادبی یک نثر، می‌افزاید، میباشد. علاوه براین، ناصیف در مقامات و جامی در بهارستان رویکرد قابل توجهی به قرآن دارند. استفاده از مثل‌های رایج و مرسوم، اشاره به حوادث، داستان‌ها و اسامی شخصیت‌های قرآنی نیز که از آن به تلمیح یاد می‌شود، در هر دو اثر، حضور پررنگی دارد. این امر وقتی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد که بدانیم یازجی، یک مسیحی است و باوجود این، برای قرآن، ارزش و احترام بالایی برخوردار بوده است.
۴. پیرامون بررسی تطبیقی شخصیت‌ها در مقامات و بهارستان، می‌توان گفت، شخصیت‌های این دو اثر، یا ساخته ذهن نویسنده و یا برگرفته از شخصیت‌های قرآنی هستند. از دیدگاه راوی بار تربیتی و عاطفی حاکم بر گفت‌وگو و تعامل شخصیت‌ها مهم است و چون قصد نویسنده انتقال پیام‌های اخلاقی است، غالباً در شخصیت پردازی، فرصتی برای توصیف روحيات و اوصاف درونی آنها ایجاد نمی‌شود. به این ترتیب، در این حکایات تفتن جایگاهی ندارد. تمام شخصیت‌ها موظف هستند، پیام اخلاقی و تربیتی داستان را رقم بزنند. در نتیجه شخصیت‌ها از ابتدا تا انتهای حکایات به‌طور کامل در دید راوی هستند و راوی به ضمیر و کلیت باطن و اعمال آنها آگاه است.
۵. داستان‌های مقامات یازجی و بهارستان جامی دربردارنده چند عنصر اصلی است. از جمله، پیرنگ، شخصیت، معنا، روایت و زاویه دید. مقامات یازجی و بهارستان جامی از حیث شخصیت پردازی، پیرنگ، دارای ویژگی‌های اشتراکی و از حیث روایت شناسی، تفاوت‌های آشکاری دارند. شخصیت‌های داستانی این دو اثر ساخته و پرداخته دست نویسنده است که گاه ما با تشابه آنها در عالم واقع روبرو بوده‌ایم و گاه هیچ شناختی نداریم. از حیث مضمون و محتوا نیز، این دو اثر، بیشتر تعلیمی و حکمت آمیز است و به این ترتیب، عناصر داستانی در هر دو اثر، در خدمت مضامین بکارگرفته شده است. علاوه بر این، بهارستان جامی و مقامات یازجی از حیث روایت شناسی و شخصیت پردازی، با آنچه در داستان‌های معاصر شاهد هستیم تفاوت‌های برجسته‌ای دارند.
۶. یکی از تفاوت‌های آشکار عناصر داستانی مقامات و بهارستان، شیوه روایت‌پردازی و زاویه دید این دو اثر است. روایت مقامات یازجی با زاویه اول شخص است و مخاطب، بسرعت با شخصیت راوی، ارتباط برقرار می‌کند، اما در بهارستان جامی، راوی سوم شخص است که در داستان، حضور ندارد و به شکل عینی، تنها مشاهدات را توصیف می‌کند و افکار و احساسات هیچ‌کدام از شخصیت‌ها را شرح نمی‌دهد.
۷. یکی از مهمترین اشتراکات مقامات یازجی و بهارستان جامی جذابیت روند داستانی و موضوعاتی است که مخاطب را جذب خویش می‌کند. بهره بردن از پیام‌های اخلاقی و تربیتی که بویژه در مقامات، با چاشنی طنز نیز همراه است، موجب ایجاد علاقه در مخاطب و برانگیختن حس تعقیب و مطالعه این آثار را بوجود می‌آورد و کام انسان‌ها، با شنیدن این حکایات شیرین می‌گردد.

منابع و مآخذ

أ) منابع عربی

القرآن الکریم

۱. أبوهیف، عبدالله، النقد الأدبی العربی الجدید فی القصّة والروایة والسرد، دمشق: اتحاد کتاب العرب . ۲۰۰۰م.
۲. ادونیس، مقدمه للشعر العربی، دار العوده، بیروت، ۱۹۷۹م.
۳. ادونیس، سیاسه الشعر، دراسات فی الشعریه العربیه المعاصر، انتشارات دارالاداب، لبنان، بیروت، ۱۹۸۵م.
۴. اسعد داغر، یوسف، الفکر العربی الحدیث فی سیر اعلامه، منشورات جمعیه اهل القلم، لبنان، ۱۹۵۶م.
۵. برغل، محمد سعد، لغه الشعر العربی المعاصر من خلال أغانی مهیار دمشقی، دار العلم، بیروت، ۱۹۹۶م.
۶. البقاعی، شفیق، أدب عصر النهضة، الطبعه الأولى، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۹۰م.
۷. حاج ابراهیمی، محمد کاظم، تاریخ الادب العربی الحدیث، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان، ۱۳۸۵ش.
۸. خلیل جحا، میثال، الشعر العربی الحدیث، دار العوده، بیروت، ۱۹۹۹م.
۹. بستانی، فواد افرام، الروائع (الشیخ ناصیف الیازجی)، دار المشرق، بیروت، چاپ سوم ۱۹۸۶م.
۱۰. بلا، شارل، تاریخ اللغه و الآداب العربیه، دار العرب الاسلامی، چاپ اول، بیروت، ۱۹۹۷م.
۱۱. تبریزی، الخطیب، الوافی فی العروض و القوافی، دار الفکر، دمشق، چاپ چهارم ۱۹۸۶م.
۱۲. حمدانی، حمید، بنیة النص السردی (من منظور النقد الأدبی). بیروت: المركز الثقافی العربی للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۹۹۱م.
۱۳. الدسوقی، عمر، فی الأدب الحدیث، الجزء الثاني، دار الفکر، بیروت، ۱۹۵۰م.
۱۴. درویش، کامل، الادب النموذجی، المکتبه العصریه، بیروت، ۱۹۹۹م.
۱۵. سابا، عیسی میخائیل، نوابغ الفکر العربی (الشیخ ابراهیم الیازجی)، دارالمعارف، مصر ۱۹۶۵م.
۱۶. شیخو، لويس. الآداب العربیه فی القرن التاسع عشر، المطبعة الکاتولیکیه، چاپ دوم، ۱۹۲۴م.
۱۷. زیات، احمد حسن، تاریخ الادب العربی، دار نهضة مصر، چاپ بیست و یکم ۱۹۹۵.
۱۸. عطاءالله، رشید یوسف، تاریخ الآداب العربیه، بهکوششعلینجیبعطوی، نشر الحفیظ، بیروت، ۱۹۸۵م.
۱۹. الموافی، سمر روحی، الروایة العربیة: البناء والرؤیا، دمشق: اتحاد کتاب العرب، ۱۹۹۵م.
۲۰. الورقی، سعید، لغه الشعر العربی الحدیث، الطبعه الثالثه، دار النهضة، بیروت، ۱۹۸۴م.
۲۱. یازجی، ناصیف، دیوان، دار مارون عبود، بیروت، ۱۹۸۳م.
۲۲. یازجی، ناصیف، مجمع البحرین، دار بیروت، ۱۹۶۶م.

ب) منابع فارسی

۱. ابرمز، ام. جی، فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، ترجمه سعید سبزیان، چاپ هفتم، تهران: انتشارات رهنما، ۱۳۸۴ش.
۲. انوشه، حسن، دانشنامه ادب فارسی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، ۱۳۷۶ش.
۳. افضلی، علی؛ نستر گندمی و مهدخت نبوی، در جستجوی خویشتن واکاوی بحران هویت در رمان ساقه بامبو براساس نظریه اریکسون مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره چهل هفتم، ۱۳۹۷ش.
۴. براهنی، رضا، قصه نویسی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۱ش.
۵. بهار، محمد تقی، سبک شناسی نشر، جلد دوم، چاپ نهم، چاپخانه ورامین، ۱۳۷۶ش.
۶. بی نیاز، فتح الله. (۱۳۸۷). درآمدی بر داستان-نویسی و روایت-شناسی؛ با اشاره-ای موجز به آسیب-شناسی رمان و داستان کوتاه ایران. تهران: افراز.
۷. پاینده، حسین، «اهمیت زاویه دید در داستان کوتاه»، کیهان فرهنگی، شماره ۶۴، ۱۳۶۸ش.
۸. پرین، لورانس، ادبیات داستانی ساختار، صدا و معنی، ترجمه سلیمانی و فهیم نژاد، تهران: نشر رهنما، ۱۳۷۸ش.

۹. پورنامداریان، تقی. دیدار با سیمرغ (شعر و عرفان و اندیشه‌های عطار). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹ش.
۱۰. جامی، بهارستان، تصحیح اسماعیل حاکمی، چاپ پنجم، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۵ش.
۱۱. حاجی آقابابایی، محمد رضا، روایت شناسی نظریه و کاربرد، تهران: مهراندیش، ۱۳۹۸ش.
۱۲. حافظ محمد بن محمد، دیوان غزلیات به کوشش دکتر خطیب رهبر، انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۸۱ش.
۱۳. خطیبی، حسین، فن نثر در ادب پارسی، چاپ دوم، انتشارات زوآر، ۱۳۷۵ش.
۱۴. داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ دوم، تهران: مروارید، ۱۳۸۰ش.
۱۵. دادخواه، حسن و لیلا جمشیدی، «عنصر شخصیت در مقامات حریری و حمیدی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۶ش.
۱۶. دقیقیان، شیرین دخت، منشأ شخصیت در ادبیات داستانی، تهران: انتشارات دقیقیان، ۱۳۷۱ش.
۱۷. رضا زاده، شفیع، تاریخ ادبیات ایران، انتشارات آهنگ، ۱۳۶۹.
۱۸. سیدحسینی، رضا، مکتب‌های ادبی، چاپ اول، تهران: نگاه، ۱۳۷۶ش.
۱۹. شمیسا، سیروس، سبک شناسی نثر، چاپ دوم، نشر میترا، ۱۳۸۳ش.
۲۰. عابدی، محمدرضا، منظری از ادبیات داستانی، تهران، مرکز، ۱۳۸۵ش.
۲۱. عباچی، اباذر، علوم البلاغه فی البديع و العروس و القافیه، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۲۲. فتاحی، حسین، اصول و مبانی داستان، تهران، صریح، ۱۳۸۶ش.
۲۳. علوی، فاطمه و دیگران، «نقد و بررسی زاویه دید در داستان کوتاه «صراحت و قاطعیت» بر اساس الگوی سیمپسون»، دوماهنامه جستارهای ادبی، شماره ۳، ۱۳۹۵ش.
۲۴. فورستر، ادوارد مورگان، جنبه‌های رمان، ترجمه ابراهیم یونسی، چ ۲، تهران: جیبی با همکاری امیرکبیر، ۱۳۷۵ش.
۲۵. فولادی نسب، کاوه و مریم کهنسال نودهی، حرفه‌ی داستان نویسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات آیین، ۱۳۹۲ش.
۲۶. کادن، جانانان، اصطلاحات ادبی، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران، چادگان، ۱۳۸۰.
۲۷. گلبن، محمد، بهار و ادب فارسی، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۷۱ش.
۲۸. مرتضوی، سید جمال الدین، «فرایند روایت در شعر اخوان»، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، شماره ۱۴ و ۱۵، ۱۳۸۸ش.
۲۹. مستور، مصطفی، مبانی داستان کوتاه چاپ اول، تهران، مرکز، ۱۳۸۴ش.
۳۰. میرصادقی، جمال، ادبیات داستانی چاپ هفتم، تهران: سخن ۱۳۸۳ش.
۳۱. میرصادقی، جمال، عناصر داستان. تهران: سخن، ۱۳۹۴ش.
۳۲. میور، ادوین، ساخت رمان، ترجمه فریدون بدرهای، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸ش.
۳۳. یاحقی، محمد جعفر و ناصح محمد مهدی، راهنمای نگارش و ویرایش مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۳ش.
۳۴. یاحقی، محمد جعفر و ناصح محمد مهدی، راهنمای نگارش و ویرایش مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۳ش.
۳۵. یونسی، ابراهیم، هنر داستان نویسی، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۹ش.